

یک اصلاح و توضیح لازم در مورد تحریر خسارت گروگانهای سفارت و قانون جدید ویزای آمریکا

امیرفیض- حقوقدان

نخست اصلاح لازم

در بخش سوم (دوقانون در مسیر کودتا) در قسمت آخر تحریر^۱ در مراتب دلیل نوشته شده:

«هم امروز که رای دیوان عالی کشور آمریکا در تخصیص ۱/۷۰ میلیارد دلار از جوه متعلق به بانک ملی ایران زیرکلید آمریکا به زیان دیدگان گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا صادر شد، جراند جمهوری اسلامی رای دیوان عالی آمریکا را منافات با برجام گرفته اند در حالیکه رای مزبور به اعتبار عاوی است که از سال ۸۶ مطرح بوده و مربوط به سالهای گروگان گیری است نه این سالها».

نوشته مزبور نمیتواند به بخش سوم تحریر خسارت گروگانها مربوط باشد؛ چراکه تخصیص مبلغ ۱/۷۰ میلیارد دلار ارتباطی با مسئله گروگان گیری کارمندان سفارت نداشته و موضوع آن انفجار خوابگاه سربازان آمریکایی در لبنان است که اتهام آن عمل تروریستی هم از طرف آمریکا متوجه حزب الله لبنان شده است.

واما توضیح لازم

در حادثه انفجار خوابگاه تفنگداران آمریکایی در لبنان که بسال ۱۹۸۳ رویداد و منجر به کشته شدن ۲۴۱ نظامی آمریکایی گردید بازماندگان آن حادثه در سال ۲۰۰۷ به قوه قضائیه آمریکا برای مطالبه خسارت رجوع کردند در سال ۲۰۱۴ دادگاه تجدید نظر آمریکا با تائید حکم بدوی جمهوری اسلامی را بمناسبت حمایت حزب الله لبنان که مستقیماً در این عملیات دست داشتند محکوم به پرداخت خسارت کرد و حکم خسارت معادل است با ۱/۷۵ میلیارد دلار که ایران به پرداخت آن محکوم شده است.

اکنون جمهوری اسلامی تقاضای تمیز (بررسی در دادگاه عالی آمریکا) را کرده است و در صورت تائید حکم و یا اساساً رد درخواست جمهوری اسلامی حکم به مرحله اجرا وارد خواهد شد.

بنابراین همانطور که در قسمت اصلاح یاد آوری گردید موضوع خسارات حادثه خوابگاه سربازان آمریکایی کاملاً با مسئله گروگان گیری کارمندان سفارت از جهات مختلف و مبلغ خسارت تفاوت داشته موضوعی کاملاً سواست.

دولت آمریکا وجوه متعلق به بانک مرکزی ایران را در سیتی بانک نیویورک که بصورت سپرده موجود است توقیف کرده که در صورت قطعیت حکم به خواهان های پرونده بدهد.

ابهامات در اجرای حکم

۱. نخستین ابهام این است که چرا در مورد خسارت گروگان های آمریکائی دولت آمریکا نتوانست خسارت گروگان هارا از دارائی های ایران در آمریکا پرداخت کند ولی در مورد خسارات بازماندگان تفنگداران آمریکائی روی دارائی های بانک مرکزی ایران در آمریکا دست گذاشته است؟

پاسخ این است؛ همانطور که در تحریر خسارت گروگان های آمریکا ارائه موضوع شد شرط پنجم بیانیه الجزایر رسیدگی به کل مسئله گروگانگیری در صلاحیت دیوان بین المللی لاهه قرار گرفت. بنابراین از دادگاه های داخل آمریکا سلب صلاحیت شده بود.

از آنجا که رئیس جمهور وقت آمریکا در تاریخ پنجم اسفند ماه سال ۵۷ ضمن دستور شماره ۱۲۲۹۴ حل و فصل تمام دعاوی مربوط به گروگان گیری کارمندان سفارت را محول دیوان داوری بین المللی براساس بیانیه الجزایر ساخته بود لذا از دادگاه های داخلی آمریکا سلب صلاحیت میشد و چون دادگاه های آمریکا به این محرومیت و ممنوعیت اهمیتی نمیدادند جمهوری اسلامی به دادگاه لاهه شکایت کرد و دادگاه در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۳۹۳ حکم برحقانیت جمهوری اسلامی به اعتبار بیانیه الجزایر داد. بدین توضیح که دعاوی مربوط به گروگان گیری باید در دیوان داوری بین المللی حل و فصل شود نه دادگاه های خصوصی آمریکا.

اما در مورد خسارات ناشیه از انفجار خوابگاه تفنگداران آمریکا در لبنان محدودیت های ناشی از بیانیه الجزایر نبود و دادگاههای آمریکا خود را صالح برای رسیدگی و تعیین خسارت بازماندگان واقعه میدانستند، واحکام ان دادگاه هاهم مانع اجرائی نداشت.

۲. بموجب حکم دادگاه، متهم انفجار خوابگاه تفنگداران آمریکا حتروریستهای حزب الله لبنان بوده اند، ولی خسارت بازماندگان حادثه لبنان متوجه دارائی های ایران شده است؛ بنظر معقول نمیآید.

استدلال دادگاه این است که جمهوری اسلامی خود را حامی حزب الله لبنان میداند. گرچه صرف حامی دانستن دلیل بر معاونت و یا مشارکت در ارتکاب جرم نیست و حتی سید حسن نصراله هم در مصاحبه با پارینه گفته است که «امام خامنه ای را امام و ولی مسلمانان میدانم اما ایران هیچگاه بما دستوری نداده است و یا ما را واداره کاری نکرده است» (هشتم فروردین ماه ۱۳۹۴)

نیز جفری فلتمن سفیر سابق آمریکا در بیروت فاش کرد که آمریکا برای مخدوش کردن وجهه حزب الله لبنان ۵۰۰ میلیون بودجه منظور داشته است. (منذر سلیمان - تلویزیون راشا تودی)

ولی آنچه که جمهوری اسلامی را گرفتار بلیه این دعوا و توجه خسارت به ملت و کشور نموده تصریح تعهد دولت جمهوری اسلامی در قانون اساسی آن کشور به حمایت از فعالیت های نظیر حزب الله لبنان است که اعتبار آن از صراحت قانون اساسی پشتیبانی و آنرا بصورت تکلیف دولت و خواست ملی! مردم ایران در آورده است؛ در کنار این دلیل مهم وقاطع اظهارات سید علی خامنه ای و سید حسن نصرالله در عملیاتی که اتحادیه اروپا و آمریکا آنرا اقدامات تروریستی میشناسد، و اعلام شخص سید علی به پرداخت میلیارد ها دلار به حزب الله لبنان، بار اتهام را متناسب باقد و قواره جمهوری اسلامی میسازد که ساخته است.

✱ البته در جهت عدم توجه خسارت فاجعه تفنگداران آمریکائی در لبنان به جمهوری اسلامی، بسیاری استدلال و بحث های حقوقی قابل قبول میتوان ارائه داد ولی همه آنها در مقابل صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی به حمایت و کمک به گروه های تروریستی پیشیزی ارزش ندارد.

✱ بد نیست بدانید که جمهوری اسلامی برای دفاع از خود به قرارداد دوستی ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا (زمان شاهنشاه) استناد کرده که تصور میکنم فکاهی تراز آن شنیدنی نخواهد بود.

برونده خسارات فاجعه تفنگداران

پرونده ۱/۷۰ میلیارد دلار خسارت بازماندگان فاجعه انفجار خوابگاه تفنگداران آمریکا در لبنان همه مراحل قانونی خود را طی کرده و اکنون تنها به یک اجازه باراک اوباما بسته است.

توضیح اینکه جمهوری اسلامی درخواست ارسال پرونده رابه دادگاه عالی آمریکا (دیوان کشور) نموده است با آنکه قوه قضائیه آمریکا مستقل است و دادگاه عالی آن کشور در قبول و یارد درخواست جمهوری اسلامی استقلال دارد و با آنکه در سال ۲۰۱۲ کنگره قانونی را بتصویب رسانید که قضات دادگاه عالی مسائل قضائی را باسیاست دولت مخلوط سازند معهدا شیوه دادگاه عالی آمریکا براین پایه است که در قبول درخواست کشور ثالث برای ورود به رسیدگی تمیزی از رئیس جمهوری آمریکا کسب تکلیف میکند.

وال اسریتیت جورنال نوشته که آقای دونالد ویریلی مقام چهارم وزارت دادگستری آمریکا از دیوان عالی کشور آمریکا خواهد خواست که با درخواست جمهوری اسلامی مبنی بر نظرخواهی تمیزی مخالفت کند.

بهرحال اجرای حکم دادگاه استیناف آمریکا مبنی بر برداشت ۱/۷۰ از سپرده های بانک ملی ایران بسته به آری ویا نه گفتن باراک اوباما است. این تحریر چنین پیش بینی میکند با سیاست ماماشات و ارفاق و دلجوئی که شخص باراک اوباما و وزیر خارجه اش از دولت روحانی دنبال میکند رسیدگی تمیزی رانصیب پرونده محکومیت جمهوری اسلامی خواهد ساخت.

توضیحی درباره قانون جدید ویزای آمریکا

قانون جدید ویزای آمریکا که در تحریر قبلی به نقد کشیده شد، بظاهر واجد نقص بزرگی است که وجاهت را در قانون مزبور ضعیف و شکننده ساخته است.

نقص بزرگ مزبور عطف به ماسبق شدن قانون است. مهمترین حرمت یک قانون اعتبار آن به زمان وضع، و آینده است و در صورتی که این قاعده معقول و عام القبول رعایت نشود وجاهت بیطرفی قانون زیر سوال خواهد رفت.

در قانون جدید ویزای آمریکا مسافرت افراد به کشورهایی از جمله ایران در ۵ سال قبل از اسباب نوعی محرومیت و نیاز به ویزای جدید شناخته شده است؛ این تصمیم دقیقاً عطف به ماسبق شدن قانون نسبت به افرادی است که علی الاصول نباید مشمول قانون شناخته شوند زیرا در مدتی که آن افراد به ایران و یا کشورهای مورد ویزا مسافرت کرده اند قانون جدید ویزا وجود نداشته است.

انسان ها نسبت به اعمالی که قانوناً ممنوع نبوده ویا کیفیت استفاده از آن بامقررات و تکالیف خاصی مواجه نبوده مسنولیتی ندارند بنابراین ایجاد تکلیف برای کسانی که ۵ سال قبل به کشورهای خاصی سفر

کرده اند یک تحمیل و با انگیزه ای است که وجاهت واصلت را از قانون میرباید؛ در ارزیابی انحطاط قانون مزبور، میتوان از تشبیه زیر استفاده کرد:

قانونی تصویب میشود که هرکس ۵ سال درکشور خارج اقامت کرده تابعیت او باطل میشود این قانون عطف به ماسبق است و حقوق انسانی آنرا پذیرا نیست.

قانون مزبور میباید اینطور باشد هرکه از این تاریخ ۵ سال ازکشور خارج باشد تابعیت او منفصل است مگر عذر قانونی داشته باشد.

اهمیت عطف به سابق نشدن قوانین در حدی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر هم بر آن مهرتائید و تاکید زده و رعایت آنرا از حقوق ممتازة انسان ها دانسته است.

شورای امنیت سازمان ملل هم به رعایت قاعده عطف به ماسبق نشدن قانون خود را ملزم میشناسد چنانکه در ماده ۱۴ قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت در مورد مسائل هسته ای ایران صریحا اشاره کرده که مفاد قطعنامه عطف به گذشته نخواهد شد.

شگرد آمریکا در عطف به ماسبق ساختن قانون

نباید تصور کرد که عدم رعایت اصل عطف به ماسبق نشدن قانون، در قانون جدید ویزا یک سهل انگاری و کم توجهی است؛ خیر اهمیت اجرایی قانون از نظر عطف به گذشته شدن تامین کننده هدفی است که شاید بتوان گفت اصلا قانون مزبور با حفظ انگیزه مزبور وضع شده است.

انگیزه وضع قانون جدید ویزا

انگیزه وضع قانون جدید ویزای آمریکا برمیگردد به همان ۵ سال مسافرت متقاضیان ویزای آمریکا به ایران.

معلوم قضیه این است که از همان زمانی که آمریکا تحریم های اقتصادی علیه ایران را وضع کرد بازار ایران از دسترسی سرمایه داران اروپایی و حتی آسیایی دور شد و آن سرمایه داران مترصد موقعیت بودند که زمینه برگشت خودشان را به ایران فراهم کنند و در این زمینه البته که مسافرت ها و مذاکراتی هم با ایران داشته اند که هر بار با اخطار آمریکا تماسها متوقف شده است.

آمریکا با اجرای قانون جدید ویزا با استفاده از ۵ سال، یک کنترل نامرئی روی سرمایه گذاران خارجی ایرانی خواهد داشت و از این طریق علاوه بر آنکه میتوانند از نظر ویزا ایجاد مشکلاتی برای سرمایه داران خارجی که مقبول آمریکا نباشد بنماید خواهد توانست ارفاق و چشم پوشی هائی نسبت به سرمایه گذاران مقبول آمریکا بکاربندد. به این ترتیب این امکان برای آمریکا فراهم میشود که از افتادن بازار ایران به دست کشورها و یا شرکتهائی که در اردوی سیاسی و اقتصادی آمریکا نیستند جلوگیری کند.